مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، شمارهٔ بیست و یکم، پاییز زمستان ۱۳۹۲

سنجش عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی در بافت مرکزی مشهد

کرامت الله زیاری (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران)
zayyari@ut.ac.ir
مصطفی ایستگلدی(دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول)
istgaldi_m@yahoo.com
غلامرضا عباس زاده (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
abbaszadeh59@gmail.com

چکیده

امروزه نظریه‌پردازان به‌منظور توسعه بر سرمایه اجتماعی تاکید می‌ورزند و از آن به‌عنوان یک متغیر مهم برای تبیین تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی میان سطوح فضایی مختلف یاد می‌کنند. بافت مرکزی شهرها نیز یکی از حوزه‌های مسئله برانگیز در برنامه‌ریزی شهری کشور است و برای توسعه و بهسازی آن، طرح‌ها و سیاست‌های مختلفی آزموده‌شده‌اند که همواره با مانع عدم‌مشارکت ساکنین بافت، مواجه شده‌اند که ناشی از درنظرنگرفتن سرمایه اجتماعی است. براین‌اساس هدف مقاله حاضر، سنجش و اولویت‌بندی عامل‌های موثر بر سرمایه اجتماعی بافت مرکزی شهرهاست که بافت مرکزی مشهد به‌عنوان نمونه‌مطالعاتی انتخاب شد. روش تحقیق تحلیلی-توصیفی است و اطلاعات به‌وسیله پرسشنامه در بین نمونه ۳۷۸ نفری از ساکنین بافت مرکزی مشهد گردآوری‌شد. در این مقاله فرآیند محاسبات براساس روش تحلیل عاملی صورت‌گرفته‌است. بدین‌منظور ۴۲ شاخص در ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی انتخاب شدند و این شاخص‌ها به ۵ عامل تقلیل یافتند که ۸۹ درصد واریانس را دربرداشتند. در بین ۵ عامل برتر به ترتیب نسبت تأثیرگذاری، عامل مشارکت عمومی ۲۴/۲ درصد، آگاهی از حقوق شهروندی- ۲۲/۸۹ درصد، اعتماد عمومی ۲۲/۳۵ درصد، اعتماد رسمی ۱۶/۵۶ درصد و مشارکت رسمی ۲/۹ درصد از واریانس را تبیین‌می‌کنند. بنابراین آگاهی از عامل‌های موثر بر سرمایه اجتماعی در بافت مرکزی مشهد و اولویت‌بندی آن، می‌تواند زمینه برنامه‌ریزی برای توسعه سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی بیشتر در این بافت را فراهم‌آورد.

کلیدواژه ها: سرمایه اجتماعی، تحلیل عاملی، مشارکت، بافت مرکزی مشهد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۰ تاریخ تصویب:۱۳۹۲/۷/۲۲

۱- مقدمه

مفهوم سرمایه اجتماعی در دهه ۱۹۸۰ بسیار مورد توجه قرارگرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی، جایگاه تعریف شده‌ای در بین نظریه‌های جامعه شناسی پیدا کند(توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۶). به‌گونه‌ای که امروزه صاحب‌نظران توسعه به این نتیجه رسیده‌اند که به‌طورکلی برای توسعه هر جامعه سه نوع سرمایه نیازاست که مشتمل‌بر سرمایه طبیعی و فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی هستند(هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۱۸). در فرآیند توسعه صرف برخورداری از منابع مالی و نیروی انسانی کفایت نمی‌کند، چرا که رکن سوم دستیابی به توسعه، برخورداری از سرمایه اجتماعی است. درواقع میزان اثربخشی و کارآیی منابع مالی و انسانی به میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی وابسته‌است که سرمایه اجتماعی نیز از ارزش ها، مشارکت ها و استحکامات تعهدات متقابل افراد و گروهها تأمین می‌شود(ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۸). یافته‌های تجربی متعدد، نشان‌دهنده اهمیت سرمایه اجتماعی در ارتقای سطح توسعه جوامع بوده‌اند. برای نمونه می‌توان به پژوهش کریستوفر[1] درمورد سرمایه اجتماعی اشاره‌کرد که معتقدست اختلاف بین مناطق و کشورها در سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی، ناشی از اختلاف آن‌ها در ذخیره موجود سرمایه اجتماعی است. مناطق یا کشورهایی که دارای ذخیره سرمایه اجتماعی نسبتاً بالایی هستند(برپایه اعتماد تعمیم یافته و تعهد مدنی) درمقایسه‌با جوامعی که دارای اعتماد و تعهد مدنی پایین‌تری هستند، به سطح بالاتری از رشد دست یافته‌اند(زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰). درواقع می‌توان از مفهوم سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک متغیر مهم در تبیین تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی میان سطوح فضایی مختلف، بهره‌برد(فیروزآبادی و ایمانی‌جاجرمی، ۱۳۸۵: ۲۰۷). علاوه‌براین، وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و حیات شهروندی است و نبود آن مانع اساسی تأسیس جامعه مدنی و استقرار حیات شهروندی است. جوامعی که دارای این نوع

1. Christopher

سرمایه هستند، بستر مناسبی برای شکل‌گیری جامعه مدنی توانمند، پاسخ‌گو و کارآمد فراهم می‌سازند. اما در مقابل، تهی‌شدن یک جامعه از سرمایه اجتماعی، به ناکارآمدی بسیاری از سیاست‌ها و طرح‌های پیشنهادی درزمینه برنامه‌ریزی منجر می‌شود(توکلی و تاجبخش، ۱۳۸۷: ۱۴۸). به دلیل اهمیت این مقوله، کشورهای صنعتی پیشرفته، علاوه‌براینکه در بخش‌های مختلف اقتصادی سرمایه گذاری می‌کنند، برای حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی، در برنامه-ریزی‌های کلان سالانه خود نیز سرمایه‌گذاری لازم را انجام می‌دهند(قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲۷). درین مقاله برآنیم باتوجه به اهمیت مقوله سرمایه اجتماعی، به سنجش آن بپردازیم و ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی را در بافت مرکزی شهرها بررسی نماییم. چرا که عمده ترین دلیل موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های احیاء بافت مرکزی شهرها، مشارکت ساکنین مناطق موردنظر با طرح‌های در دست‌اجراست. زیرا رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در جامعه یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی در هر جامعه است و از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود(هاشمیان فر و گنجی، ۱۳۸۸: ۲۵). به‌طورخلاصه سرمایه اجتماعی را می‌توان به‌عنوان هنجارها و شبکه‌هایی درنظرگرفت که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی برای کسب سود متقابل را فراهم می‌کند(حسینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۱). بدین‌منظور بافت مرکزی مشهد به‌عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شد و سرمایه اجتماعی موجود در ساکنین این بافت از طریق سه مولفه اصلی اعتماد(اعتماد عمومی و اعتماد نهادی)، مشارکت(مشارکت رسمی و غیر رسمی) و آگاهی(حقوق شهروندی) و شاخص‌های مرتبط با آنها مورد سنجش قرارگرفت. در واقع تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که میزان سرمایه اجتماعی در بافت مرکزی مشهد چگونه است و این مقوله به عنوان عامل و بستر زمینه‌ساز چه تأثیری در مشارکت ساکنین این بافت دارد؟ نتایج پژوهش نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی تجزیه و تحلیل خواهد شد. به طور کلی اهداف پژوهش موارد زیر را شامل می‌شود:

به طور کلی اهداف پژوهش موارد زیر را شامل می‌شود:

۱- شناخت عوامل زمینه‌ساز و تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی در بافت مرکزی مشهد.

۲- اولویت‌بندی عوامل موثر در تقویت سرمایه اجتماعی در بافت مرکزی مشهد.

۳- شناخت ارتباط میان عامل‌های ذهنی و عینی سرمایه اجتماعی در بافت مرکزی مشهد.

۲- فرضیات

بر این اساس فرضیه پژوهش به شرح زیر است:

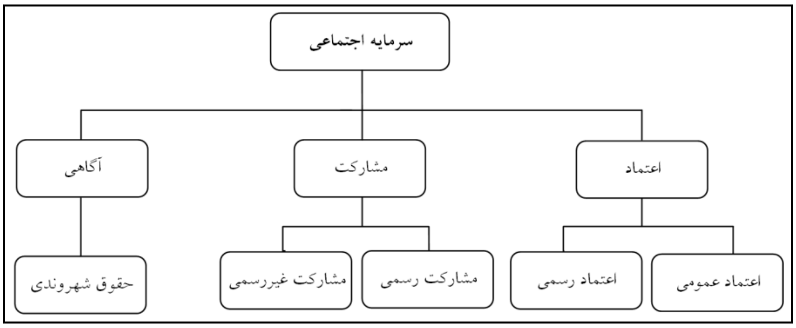
۱- به نظر می‌رسد عوامل ذهنی و انتزاعی(مشارکت و اعتماد عمومی) تأثیر بیشتری بر سرمایه اجتماعی بافت مرکزی مشهد در مقایسه با عوامل عینی(مشارکت و اعتماد رسمی) داشته‌باشند.

۳- روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه انجام شده‌است. علاوه براین بـرای تحلیـل گویه‌ها در پرسشنامه، از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت با دامنه پاسخهای ۱ تـا ۵(خیلـی کـم، کـم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) بهره‌گرفته‌شد. نتایج پرسشنامه با استفاده از نـرم‌افـزار Spss تجزیـه و تحلیل شد. به منظور تعیین اعتبار ابـزار تحقیـق(پرسشـنامه) از روش اعتبـار صـوری اسـتفاده گردید. محدوده جغرافیایی پژوهش نیز بافت مرکزی مشهد(اطراف حـرم مطهـر حضـرت امـام رضا (ع)) می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با ضریب اطمینان ۹۵ درصد تعـداد ۳۷۸ نفر برآورد شد که به‌روش تصادفی انتخاب گردید. همچنین جامعه‌آماری پـژوهش، شـامل سرپرستان خانوار ساکن در بافت می‌باشد.

۳-۱- مدل مفهومی تحقیق

به‌منظور تبیین موضوع پژوهش و انطباق آن با فعالیت‌های پیمایشی، انتخاب شاخص هـای تحقیـق برای برآورد و سنجش سرمایه اجتماعی در محدوده موردنظر از طریق سه مولفه اصلی اعتماد (عمومی، نهادی)، مشارکت(رسمی، غیررسمی) و آگاهی(از حقوق شهروندی) صورت گرفت. شکل(۱) نشـان‌-دهنده مدل مفهومی سرمایه اجتماعی است که در این پژوهش مطرح شده‌اسـت. همچنـین جـدول (۱) شاخص‌های به کارگرفته‌شده جهت سنجش این مولفه های اصلی را نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل مفهومی سرمایه اجتماعی در بافت مرکزی مشهد

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲

جدول ۱: چارچوب شاخص های مورد استفاده

موضوع	ابعاد اصلی	مولفه	شاخص
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	اعتماد عمومی	حمایت مردم در شرایط سخت زندگی
			اعتماد به اعضای خانواده
			توجه مردم به نصیحتها و راهنمایی های دیگران
			حسادت مردم به موفقیتهای یکدیگر
			کمک به همدیگر در قبال نفع شخصی
			دخالت در زندگی دیگران
			سوء استفاده مردم از حرفهای خصوصی یکدیگر
			صداقت و یکرنگی مردم منطقه
		اعتماد رسمی	احساس مسئولیت مسئولین شهر در قبال شهروندان.
			سوء استفاده مسئولین شهر از مقام خود
			آگاهی مسئولین شهر نسبت به حقوق شهروندی
			مقابله با کارهای خلاف در ادارات شهر
			اعتماد مردم به مسئولین شهر
			توسعه زایی طرحهای در دست اجرا در منطقه

			مشارکت شهروندان در طرحها، بیشتر به صورت مالی
			لحاظ کردن منافع ساکنین در طرحها
			صداقت مسئولین اجرای طرح
			اهمیت مسئولین اجرای طرح به نظرات ساکنین
			شناخت مسئولین اجرای طرح از وضعیت منطقه
			اعتماد به وعده های مسئولین اجرای طرح
	مشارکت اجتماعی	مشارکت رسمی	عضویت در سازمانهای خیریه و تعاونی
			عضویت در گروههای مذهبی
			شرکت در انتخابات
		مشارکت غیر رسمی	اعتقاد به کارهای گروهی
			علاقه به شرکت در کارهای گروهی
			علاقه به پیگیری امور محله
			توسعه منطقه در صورت همکاری با مجریان طرح
	آگاهی	حقوق شهروندی	تاثیر نظرات شهروندان در مدیریت شهر
			آشنایی با مفهوم و حقوق شهروندی
			سهیم بودن در مدیریت شهر
			آگاهی از حقوق شهروندی و نظارت بر مسئولین شهری

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲

۳-۲- روش تحلیل

به منظور سنجش میزان تاثیر متغیرهای مختلف بر سرمایه اجتماعی بافت مرکزی مشهد، از روش تحلیل عاملی استفاده شد تا بدین وسیله مشخص شود چه عامل‌هایی بیشترین و کمترین

تأثیر را در سرمایه اجتماعی دارند و می‌توانند زمینه اقدامات موثر برای ارتقای سرمایه اجتماعی ساکنان بافت مرکزی مشهد را فراهم آورند.

۳-۲-۱- تحلیل عاملی

به‌طورمعمول در انجام پژوهش به دلایلی با متغیرهای بسیاری مواجه می‌شویم. به منظور تحلیل داده‌ها و دست‌یابی به نتایج علمی و در عین حال عملیاتی، پژوهشگران به کاهش حجم متغیرها پرداخته‌اند و درین زمینه ساختار جدیدی ارایه کرده‌اند(ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳). در این راستا روش تحلیل عاملی، یکی از روش‌های موثر به شمار می‌رود. تحلیل عاملی عنوان کلی است که برای برخی روش های آماری چندمتغیره به‌کار می‌رود و هدف اصلی آن خلاصه کردن اطلاعات بسیارست(تقوایی و قائد رحمتی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). همچنین در تحلیل عاملی خلاصه‌کردن اطلاعات به‌صورتی انجام می‌شود که نتیجه خلاصه‌شده دارای معناست(صیدایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۵). ویژگی عمده این روش، کاهش شاخص‌ها و متغیرهای زیاد به چند عامل، با استفاده از روش‌های ریاضی پنهانی و پیچیده است(طالبی و زنگی آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲۸). درواقع امکان کاهش بسیاری از متغیرهای وابسته به هم، به‌صورت جنبه‌های پنهانی محدودتر فراهم می‌شود(نسترن و فتاحی، ۱۳۸۸: ۵۲). هدف اصلی کاربرد این روش، طبقه‌بندی متغیرها در چند عامل و درنهایت درک بهتر پدیده‌ها و همبستگی بین آن-هاست(ملکی،۱۳۹۰: ۱۲۰). همچنین این روش در مطالعات جغرافیایی بسیارموردتوجه قرار گرفته‌است که برای تعیین مناطق، طبقه‌بندی شهرها و تجزیه تحلیل‌های جامعه شهری و نیز اندازه‌گیری تغییرات فضایی در بهداشت اجتماعی و اقتصادی به‌کارمی‌رود(ضرابی و شاهیوندی، ۱۳۸۹: ۲۳). در پژوهش حاضر از تحلیل عاملی نوع R با روش مولفه‌های اصلی استفاده‌شد که هدف آن خلاصه‌کردن بسیاری از شاخص‌ها به عوامل معنی‌دار بوده-است(کلانتری، ۱۳۸۲: ۲۸۲). در واقع روش «تجزیه مولفه‌های اصلی» متداولترین روش در تحلیل عاملی است و هدف از انجام آن رفع وابستگی درونی مجموعه‌ای از متغیرها و آزادسازی آنها در چند مولفه اصلی(عامل) است(شریفی و خالدی، ۱۳۸۸: ۱۸۹). تحلیل عاملی

چندین روش اضافی برای تحلیل سازه‌ها دارد که مهمترین آن، روش مولفه‌های اصلی است. این روش با یافتن یک ترکیب خطی از متغیرها(یک مولفه) شروع به کار می‌کند که به‌منظور ایجاد تغییر موردنظر در متغیرهای اصلی محاسبه می‌شود. سپس مولفه‌های دیگری را پیدا می‌کند که برای باقی‌مانده ممکن محاسبه می‌شود و با مولفه قبلی همبستگی ندارد. برای ادامه این روش هنوز مولفه‌های زیادی مانند متغیرهای اصلی وجود دارد. معمولاً برای بیشتر تغییرات، چند مولفه محاسبه می‌شود و این مولفه‌ها می توانند به عنوان جایگزین متغیرهای اصلی به کار روند(مولایی، ۱۳۸۷: ۷۷). به‌طور کلی این روش دارای ۵ مرحله است که به شرح زیرند:

۱- تشکیل ماتریس داده‌ها؛

۲- محاسبه ماتریس همبستگی؛

۳- استخراج عامل‌ها،

۴- دوران عامل‌ها؛

۵- نامگذاری عامل‌ها(تقوایی و شفیعی، ۱۳۸۸: ۶۲-۶۳).

۳-۳- منطقه مورد مطالعه

۳-۳-۱- بافت مرکزی شهر مشهد و روند احیاء آن

شهر مشهد، پیش از روی کار آمدن رضاخان که منجر به ایجاد جراحی‌های شهری و احداث خیابانهای جدید شد، در درون حصار قدیمی خود قرار داشت و با بافت ارگانیک مشخص می‌شد. همگام با تحولات عمده جمعیتی-کارکردی و کالبدی در شهر مشهد، محدوده مرکزی شهر مشهد و به‌ویژه محلات مسکونی آن نیز به مرور زمان دچار تحول و دگرگونی شد.

از مهمترین اقداماتی که دراین‌زمینه پیش از انقلاب اسلامی صورت گرفت می‌توان به ساخت خیابان‌های جدید برروی بافت قدیم(سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۷۷)، احداث فلکه‌ای وسیع در اطراف حرم موسوم به خیابان حرم با عرض ۳۰ متر، تخریب بافت متصل به حرم در سال

۱۳۴۵ و ایجاد فضای سبز در این محدوده(عرفانیان، ۱۳۸۱: ۷۰)، طرح تفصیلی مصوب ۱۳۵۰ و طرح فلکه حضرت رضا(ع) در سال ۱۳۵۴(رهنما و امیر فخریان، ۱۳۸۴: ۹۱) اشاره نمود. با توجه به اهمیت جایگاه بافت مرکزی کلان‌شهر مشهد، پس از انقلاب نیز طرح‌های توسعه حریم حرم مطهر امام رضا(ع) در سال ۱۳۶۰ توسط آستان قدس اجرا شد و طرح نوسازی و بازسازی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا نیز در سال ۱۳۷۴ انجام شد.

۳-۳-۲- طرح نوسازی و بازسازی بافت پیرامون حرم مطهرحضرت رضا(ع)

طرح نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع)، در سال۱۳۷۲ با هدف تجهیز هسته اصلی مرکز شهر پیشنهاد شد و به‌منظور پاسخگویی به نیازهای میلیون‌ها زائر و مسافر و برقراری تعادل میان ارزش‌های بی‌بدیل مجموعه حرم مطهر با نظام‌های شهری پیرامون آن در دستور کار وزارت مسکن و شهرسازی قرار گرفت.

عمده‌ترین اهداف این طرح به شرح زیر است:

۱- توسعه حرم حضرت رضا(ع) از ۱۲۰ هزار مترمربع به ۵۷۰ هزار مترمربع تا سال ۱۳۸۰

۲- تغییر کاربری‌های مسکونی به تجاری، گردشگری، زیارتی به منظور سودآورکردن آن‌ها و ارایه خدمات بیشتر به زائران

۳- تجهیز هسته اصلی مرکز شهر مشهد، تأمین نیازهای میلیون‌ها زائر و گردشگر داخلی و خارجی

۴- هماهنگی و هم‌پیوندی عناصر کالبدی شهر با نشان حرم مطهر

۵- ایجاد فضای گذار(فضای واسط و باز) در ساختار کالبدی بافت قدیم شهر

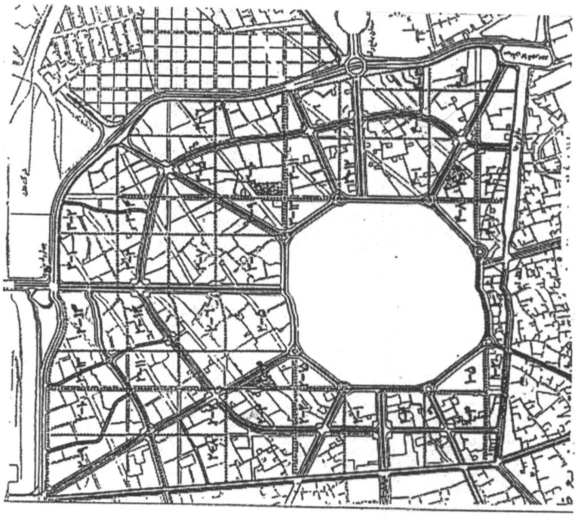
۶- توسعه سیستم حمل و نقل عمومی در اطراف حرم

۷- احداث شبکه جدید حلقوی و شعاعی در سطوح مختلف.

جمعیت ساکن محدوده طرح در سال۱۳۷۰ حدود ۵۷۳۷۶ نفر بوده‌است و متوسط مساحت قطعات محدوده طرح، ۲۰۷ مترمربع بوده‌است. حدود ۳۰ درصد املاک، دارای وسعتی کمتر

از۱۰۰ مترمربع مساحت بودند که کمتر از۱۰ درصد سطح منطقه را زیرپوشش قرار می‌دادند(رهنما، ۱۳۷۵: ۲۶۴).

نتایج بررسی‌ها و ارزیابی‌های انجام گرفته توسط کارشناسان مهندس مشاور، نشان‌دهنده آن است که به‌طورکلی بافت کالبدی موجود فاقد ارزش‌های ویژه است و سازمان فضایی مغشوش، گذرهای باریک و پرپیچ وخم، ساختمان‌های کهنه و فرسوده و فاقد ارزش‌های معماری، بافت شهری پیچیده و نارسا، فقدان مراکز و فضاهای خدماتی موردنیاز، عدم امکان ارایه خدمات و تسهیلات شهری و مواردی از این قبیل می‌توانند تصمیم گیری در این زمینه را آسان و قابل‌دفاع سازند(نورالهی قراخیلی، ۱۳۸۳: ۱۸۱).



شکل ۲: طرح پیشنهادی نوسازی و بازسازی پیرامون حرم مطهر ۱۳۷۴

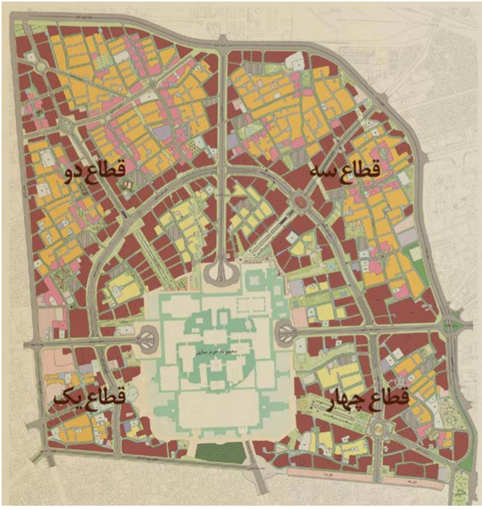
مأخذ: رهنما، ۱۳۸۸: ۳۲۰

طرح مورداشاره(شکل ۲) که الگوی انتخابی آن، تخریب و تجدید توسعه(نوسازی) کامل محدوده بود، در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۹ در جلسه کمیسون ماده ۵ به تصویب رسید اما به دلایلی از جمله نادیده انگاشتن منافع ساکنین محلی، الگوی طرح نوسازی بزرگ مقیاس، عدم هماهنگی کامل با شهرداری و درنهایت نبود راهکارهای قانونی، اجرای طرح متوقف شد و درحدتصویب باقی ماند.

۳-۳-۳- طرح تجدید نظر به سازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع)

در ابتدای طرح تجدید نظر بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر اشاره‌شده‌است که «بررسی‌های اولیه درمورد میزان تحقق پیشنهادهای طرح تفصیلی مرکز شهر در زمینه‌های اصلی(شبکه گذربندی، کاربری‌های اراضی، جمعیت‌پذیری و تراکم‌های جمعیتی، ضوابط و مقررات ساختمان سازی) نشان‌دهنده آن است که هیچ یک از اهداف فوق، به طرح تفصیلی تحقق منجر نشده‌اند. علاوه‌براین پیشنهادهای طرح تفضیلی درمورد نحوه استفاده از اراضی مرکز شهر مشهد اجرا نشده‌است چراکه با امکانات اجرایی و تمایلات نیروهای موثر در تحقق هدف‌های طرح نامتناسب بوده‌اند و گاه با دیگر توصیه‌ها هماهنگی لازم را نداشته اند. مقایسه تطبیقی جمعیت در سال ۷۳ (۱۵۵/۵۵۳) همراه با پیش‌بینی‌های طرح تفصیلی مصوب (۱۵۹/۸۲۹)، نشان‌دهنده آن است که اهداف طرح در میزان جمعیت ساکن محدوده و به تبع آن نسبت تراکم ها تحقق نمی‌یابد» (مهندسین مشاور طاش، ۱۳۷۶: ۴-۱).

بنابراین در سال ۱۳۷۸ با روی کار آمدن شورای شهر، طرح مجدداً مورد بازنگری قرار گرفت و الگوی بهسازی و نوسازی جایگزین الگوی بازسازی و نوسازی گردید. همچنین بسیاری از ضوابط و مقررات با انعطاف بیشتری پیشنهاد شد که در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۸ در کمسیون ماده ۵ مورد تصویب قرارگرفت. این طرح با هدف ساماندهی بافت‌های فرسوده و قدیمی اطراف حرم مطهر و برآورده‌ساختن نیازهای زائران تهیه و تصویب شد. هدف طرح، ایجاد تعادل بین ارزش‌های بی مانند مجموعه حرم مطهر با ساختارهای شهری پیرامون آن و دست‌یابی به وحدت و هماهنگی در این محدوده شهری بود. ساخت و ساز بر اساس طرح راهبردی و تفصیلی واحد، اما توسط سرمایه‌گذاران مختلف صورت گرفت. مدیریت اجرای این طرح در قطاعهای ۳ و ۴ به شرکت عمران و بهسازی شهری واگذار شد و شرکت مسکن سازان خراسان به عنوان کارگزار آن سازمان در استان خراسان مدیریت اجرایی طرح را به عهده‌گرفت. شکل(۳) طرح بهسازی و نوسازی بافت و قطاع‌های چهارگانه آن را نشان می‌دهد.



شکل ۳: طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم

مأخذ: Maskansamen.ir

به‌منظور اجرای طرح موردنظر و خرید تمامی املاک در مسیر اشاره‌شده، کمیسیون توافقی با حضور صاحبان املاکی تشکیل شد که قصد فروش ملک خود در این محدوده را داشتند علاوه‌براین کارشناسان مختلفی ازجمله کارشناس رسمی دادگستری برای نظارت بر قیمت، مدیریت املاک مسکن و شهرسازی استان خراسان به منظور قیمت‌گذاری و یک نماینده از شهرداری حضور یافتند که براساس اصول و ضوابط شهرداری خرید املاک را انجام داده و اظهارنظر می‌نمودند. در صورت توافق بین صاحبان املاک و شرکت، خرید انجام می‌شد و چناچه افرادی از واگذاری ملک خویش در مسیر اجرای طرح خودداری می‌کردند و از امضای قرارداد پرهیز می‌کردند، طبق ماده ۹ قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک که برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت در سال ۱۳۵۸ تصویب شد با تعیین قیمت ملک از سوی کارشناس رسمی دادگستری حکم تملک از سوی نماینده قوه قضائیه صادر می‌شد و اقدام به تخلیه و تخریب ملک می‌شد(رهنما، ۱۳۸۸: ۳۲۳-۳۲۲).

شهرداری منطقه ثامن یکی از مناطق دوازده‌گانه شهرداری مشهد است که منطبق بر محدوده‌ای است که طرح بهسازی و نوسازی بافت مرکزی شهر مشهد، را در برمی‌گیرد و به چهار ناحیه با مشخصات زیر تقسیم شده‌است:

قطاع۱: محدوده خیابان‌های امام رضا(ع)، شهید اندرزگو، آزادی، آیت الله شیرازی تا حرم مطهر را شامل می‌شود. این ناحیه «بازار بزرگ» نامیده‌شده و وسعت آن حدود ۳۲ هکتار است.

قطاع ۲: محدوده خیابان‌های آیت‌الله شیرازی، آزادی، بلوار راه‌آهن، طبرسی تا حرم مطهر را شامل می‌شود. این ناحیه «محله نوغان» نام دارد و وسعت آن حدود ۱۰۱ هکتار است.

قطاع ۳: محدوده خیابان های طبرسی، بولوار وحدت، نواب صفوی تا حرم مطهر را شامل می‌شود. این محدوده «محله طبرسی» نامیده‌شده و وسعت آن حدود ۹۲ هکتار است.

قطاع ۴: محدوده خیابان‌های نواب صفوی، ۱۷ شهریور، بازار رضا تا حرم مطهر را شامل می‌شود. این منطقه «عیدگاه یا چهنو» نام دارد و وسعت آن حدود ۴۳ هکتار است.

مشخصات جمعیتی مربوط به هریک از قطاع‌ها در جدول(۲) آمده‌است:

جدول ۲: مشخصات جمعیتی بافت اطراف حرم مطهر مشهد

	جمعیت کل	جمعیت مردان	جمعیت زنان	نسبت جنسی	تعداد خانوار	بعد خانوار	تراکم
منطقه ثامن	۳۲۳۳۰	۱۶۶۲۳	۱۵۷۰۷	۱/۰۶	۹۰۵۰	۳/۵۷	۹۱
قطاع۱	۱۰۴۷	۶۵۰	۳۹۷	۱/۶۴	۲۸۵	۳/۶۷	۳۱
قطاع۲	۱۷۵۰۱	۸۷۴۴	۸۷۵۷	۱	۵۰۷۰	۳/۴۵	۱۴۷
قطاع۳	۹۰۶۶	۴۵۳۴	۴۵۳۲	۱	۲۴۹۴	۳/۶۴	۹۰
قطاع۴	۴۲۲۲	۲۲۰۵	۲۰۱۷	۱/۰۹	۱۱۹۰	۳/۵۵	۷۳
حرم مطهر	۴۹۴	۴۹۰	۴	۱۲۲/۵	۱۱	۴۴/۹۱	۱۱

مأخذ: مدیریت آمار و تحلیل اطلاعات شهرداری مشهد، ۱۳۹۱

۴- مبانی نظری

۴-۱- تعاریف و مفاهیم سرمایه اجتماعی[1]

اولین بار «هانی‌فن[2]» مفهوم «سرمایه اجتماعی» را در مقاله خود به کار برد. از نظر وی، سرمایه اجتماعی شامل دارایی‌هایی است که در زندگی روزانه افراد وجود دارند. مانند حسن تفاهم[3]، رفاقت و دوستی،

1. Social capital
2. Hanifan
3. goodwill

احساس همدردی[1] و روابط اجتماعی در بین افراد و خانواده هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. نظریه هانی‌فن حدود نیم قرن موردتوجه قرار نگرفت تا اینکه در سال ۱۹۶۱ در اثر جاکوب[2] با عنوان «زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکایی» سرمایه اجتماعی مورد بحث قرار گرفت(پیراهری، ۱۳۸۸: ۱۱۰). به بیان وی، شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و درزمینه حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و سایر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، درمقایسه با عوامل نهادی رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، نقش و مسئولیت بیشتری دارند(سعادت، ۱۳۸۵: ۳۸). این مفهوم در دهه ۱۹۸۰ به شدت مورد توجه قرار گرفت و از جنبه نظری و تجربی گسترش یافت و توانست جایگاه تعریف‌شده‌ای در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی بیابد. این امر مرهون تلاش کلمن، جامعه‌شناس آمریکایی و پژوهش وی درزمینه مشارکت در امور مدرسه(در شهر شیکاگو) است. پس از وی، بوردیو در فرانسه ابعاد دیگر این مفهوم را روشن ساخت. علاوه‌براین در مطالعه‌ای که پوتنام درمورد رابطه سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا انجام داد، به‌ویژه عامل تأثیرگذاری در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی دخیل بود(توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۶). در واقع آثار پیر بوردیو[3] (۱۹۸۶)، جیمز کلمن[4] (۱۹۸۸) و رابرت پوتنام[5] تأثیر قابل‌توجهی در توسعه نظری مفهوم سرمایه اجتماعی داشته‌است و این مفهوم را در کانون توجه رشته‌های علمی دیگر قرار داده‌است(Burnie, 2009: 252). در این میان اولین تعریف معاصر سیستماتیک درمورد سرمایه اجتماعی توسط بوردیو ارایه شد(Torch & Valenzuela, 2011:183). وی سرمایه اجتماعی را از سایر سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز ساخت و به ویژگی ساختاری آن اشاره کرد و برای آن و تعاملاتی درنظرگرفت. بوردیو سرمایه اجتماعی را شبکه نسبتاً بادوامی از روابط کمابیش نهادینه‌شده می‌دانست که با شناخت و تعهداتی مانند اعتماد متقابل همراه است و به عنوان منابعی بالفعل یا بالقوه موجب تسهیل کنش‌های فردی و یا کنش‌گران می‌شود(Bourdieu,1986: 248). کولمن، تعریف دیگری از سرمایه اجتماعی ارایه‌کرد؛ از نظر وی، سرمایه اجتماعی قدرت و توانایی مردم برای برقراری

1. sympathy
2. Jacob
3. Bourdieu, P
4. Coleman, J
5. Putnam, R

ارتباط با یکدیگر است (Coleman,1990:74). وی معتقدست سرمایه اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. ازنظر کولمن سرمایه مادی کاملاً ملموس است و به صورت مادی و قابل‌مشاهده تجسم‌یافته‌است. سرمایه انسانی چندان ملموس نیست و در مهارت‌ها و دانش اکتسابی فرد نمود پیدا می‌کند. حتی سرمایه اجتماعی کمتر نیز محسوس است، زیرا در روابط بین افراد تجسم می‌یابد. سرمایه مادی و سرمایه انسانی فعالیت تولیدی را تسهیل می‌کنند و درمورد سرمایه اجتماعی نیز وضعیت به‌همین‌صورت است؛ گروهی که اعضای آن دارای قابلیت اعتماد هستند و اعتماد بالایی به یکدیگر دارند، درمقایسه با گروهی که قابلیت اعتماد ندارند، می‌توانند کارهایی بیشتری انجام دهند(ماجدی و لهسایی زاده، ۱۳۸۵: ۹۶). وی مفهوم سرمایه اجتماعی را ترکیبی از ساختارهای اجتماعی می‌داند که برخی کنش‌های خاص کنش‌گران در درون ساختارها را تسهیل می‌کند(شعبانی و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). به‌طورکلی، از نظر کولمن سرمایه اجتماعی به توانایی افراد برای کار جمعی در قالب گروه ها اشاره‌دارد(Fukuyama, 2002: 23). پوتنام، تمام ویژگی‌های اجتماعی نهادها و سازمان‌ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی را سرمایه اجتماعی نامیده‌است(Putnam,1993:167). سرمایه اجتماعی موردنظر پوتنام وجوه گوناگون سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه هاست که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد. به این ترتیب پوتنام راه حل معضل همکاری جمعی را در سرمایه اجتماعی جستجو می‌کند(روشنفکر و سعید ذکایی، ۱۳۸۵: ۱۲۱–۱۲۰). درواقع پوتنام سرمایه اجتماعی را در اجزایی مانند شبکه ها، هنجارها و اعتماد یافته‌است(لهسایی زاده، مرادی، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

پژوهشگران دیگری نیز به نظریه‌پردازی درزمینه سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند که در این میان می‌توان به دیدگاه‌های کلاوس افه[1] اشاره‌کرد. وی ابعاد سرمایه اجتماعی را مشتمل بر روابط انجمنی، اطمینان به نهادها و اعتماد بین اشخاص و اقوام و خیرخواهی می‌داند. عوامل تاریخی، فرهنگی–سیاسی و اقتصادی را در کم و کیف سرمایه اجتماعی موثر می‌داند و آن را به عنوان یکی از عوامل کارایی و توسعه اقتصادی، نظم و صلح جهانی، احساس امنیت و توسعه معرفی کرده‌است(تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۶). همچنین به اعتقاد افه، مفهوم سرمایه اجتماعی با سه عنصر اصلی و شاخص شناخته می‌شود که در گرایش‌ها و تمایلات رفتاری

1. Offe

به اعتماد و هنجارهای تمایل به کار گروهی و در بُعد الگوی ساختاری به انجمن‌پذیری و مشارکت اشاره می‌کند(Offe & Fachs, 2002: 189). در این زمینه می‌توان به تعریف فوکویاما[1] نیز اشاره‌کرد که از نظر وی سرمایه اجتماعی مشتمل بر توانایی همکاری و تعاون افراد درزمینه اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان-هاست(Fukuyama, 1995:10). به‌طورکلی در بین صاحب‌نظران، سرمایه اجتماعی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و مفهومی چندوجهی موردتوجه قرارگرفته‌است که حداقل دارای دو بُعد عینی یا ساختاری و تعاملاتی(بین اعیانی) و ذهنی یا شناختی(بین اذهانی) به‌معنای شبکه روابط توأم با تعهد و اعتماد اجتماعی است(عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۴). سرمایه اجتماعی همانند مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی(یعنی ابزار و آموزش هایی که بهره وری فردی را افزایش می دهند) به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند. سرمایه اجتماعی، سود سرمایه گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشمگیری برخوردارست، همکاری هم در آن آسان‌تر است(ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰). در واقع سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی در یک سیستم اجتماعی دانست(حق شناس و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱). مباحث اشاره‌شده، فقط بخشی از تعاریف موجود درزمینه سرمایه اجتماعی را دربرمی‌گیرند. این مسئله نشان می‌دهد ویژگی غیرقابل مشاهده‌بودن سرمایه اجتماعی سبب شده‌است هر محققی با برداشت نسبی از سرمایه اجتماعی، به تعریف این پدیده نوظهور بپردازد. اما این بدین‌معنا نیست که تعاریف مذکور در مقابل هم قرار داشته و وجه اشتراکی بین آن‌ها وجود ندارد، بلکه با اندکی توجه می‌توان دریافت همه تعاریف به نکته مشترکی اشاره می‌کنند که بر اساس آن می‌توان تعریف جامعی از سرمایه اجتماعی ارایه-کرد:

«سرمایه اجتماعی، پتانسیل نهفته در روابط افراد یک جامعه است که باعث انجام مؤثر امورات آن جامعه می‌شود» (سعادت، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۴). با توجه به نقش بوردیو، کلمن و پوتنام در توسعه مفهوم سرمایه اجتماعی، در جدول(۳) آرای این افراد به طور خلاصه ارایه‌شده‌است.

---

1. Fukuyama

جدول ۳: آرای بوردیو، کلمن و پوتنام درمورد سرمایه اجتماعی(تعریف، هدف و سطح تجزیه و تحلیل)

صاحب نظر	تعریف	هدف	سطح تجزیه و تحلیل
بوردیو	سرمایه اجتماعی مجموعه ای از منابع موجود یا بالقوه ای است که به مالکیت شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده افراد بستگی دارد، افرادی که یکدیگر را می شناسند و خود را مدیون یکدیگر می دانند.	رسیدن به سرمایه اقتصادی	افراد در حال رقابت با هم (فرد به فرد)
کولمن	سرمایه اجتماعی بر مبنای کارکرد آن تعریف می شود و ذات واحدی نیست، مانند سایر اشکال سرمایه مولد است و در ساختار روابط کنش گران و ارتباط بین آنها حضور دارد.	رسیدن به سرمایه اقتصادی	افراد در گروههای فامیلی و اجتماعی
پوتنام	سرمایه اجتماعی به روابط میان افراد در شبکه های اجتماعی، هنجارهای عمل متقابل و قابلیت اعتمادی که از آنها ناشی می شود، اشاره دارد. در این معنی، سرمایه اجتماعی به طور دقیقی با آنچه برخی اخلاق مدنی نامیده اند، ارتباط دارد و دستیابی به منافع مشترک را تسهیل می کند.		حکومت های سیاسی در سطح ملی (گروه با حکومت ملی)

مأخذ: قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴ و خاکپور و پیری، ۱۳۸۴: ۲۲.

۴-۲- اعتماد اجتماعی و مشارکت

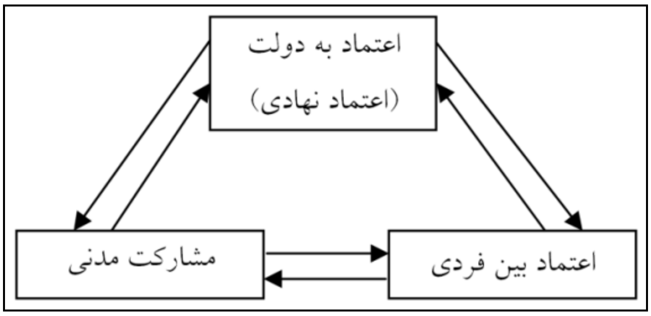
پژوهشگران علوم اجتماعی با مقایسه تطبیقی کشورها و بررسی دقیق ساختار اجتماعی جوامع پیشرفته، به نوعی سرمایه‌ی ویژه دست یافتند که به‌وسیله آن، همکاری، همیاری و مشارکت افراد برای دست‌یابی به منافع مشترک میسر می‌شود و در اصطلاح «سرمایه اجتماعی» نام دارد. این نوع سرمایه که از تعامل بین افراد و وجود هنجارهای مناسب همیاری و همکاری به‌دست می‌آید، ریشه در اعتماد متقابل، ارزش‌های مشترک، وجود بسترهای لازم(محیط سیاسی- اجتماعی و شبکه‌های متنوع اجتماعی) برای مشارکت فعالانه تمامی افراد جامعه دارد(قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲۷). بر طبق تعاریف اشاره‌شده، در میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی مهم‌ترین شاخص است، به‌گونه‌ای که بیان‌شده‌است ارتباط بین سرمایه اجتماعی با توسعه اجتماعی-اقتصادی از طریق اعتماد اجتماعی برقرار

می‌گردد (غفاری، ۱۳۸۵: ۸۱-۸۰). سرمایه اجتماعی یکی از عناصر بنیادین تعامـل اجتمـاعی محسـوب می‌شود که در حل مسایل مربوط به نظم اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اعتماد، پیش شرط عمده و کلیدی دررابطه با موجودیت هر جامعه ای محسوب مـی‌شـود کـه تسـهیل‌کننـده تبـادلات در فضـای اجتماعی است(باستانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۱). همچنین اعتماد، به ایمان و اعتقاد به قابل اعتمـاد بـودن یک شخص یا سیستم اشاره‌دارد(Australian bureau, 2004: 26) و به‌عنوان سـنگ بنـای مهـم رفتـار اجتماعی و سازوکار همبستگی برای نظـام اجتمـاعی (Szekely & Barna, 2003: 2) موردتوجـه صاحب‌نظران بسیاری قرار گرفته‌است. به‌طوری که گیدنز[1] اصلی‌ترین عامل زندگی در دنیـای مـدرن را اعتماد دانسته‌است(گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۸). به‌طورکلی مطالب بالا نشان‌دهنده اهمیت مقوله اعتماد اجتمـاعی در تعاملات اجتماعی بود.

همچنین مفهومی مشارکت در اداره جامعه و توسعه بسیار اهمیت دارد. از اواخر دهه ۵۰ مـیلادی و به دنبال شکست برنامه‌های توسعه مبتنی بر دیدگاه نوسازی، مفهـوم مشـارکت و توسـعه مشـارکتی در پیشینه مطالعاتی توسعه مطرح شد. ناکامی این برنامه‌ها در رسیدن به اهدافشان، این باور را تقویت کـرد که فقدان مشارکت‌های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها موجب شکست آن هـا شـده‌اسـت. ازاین‌رو در واکنش به این امر، مفهوم مشارکت به عنوان «دخالت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی و برنامه‌ریزی در زمینه‌های مربوط به آن‌ها» (Baum, 2004: 1840) موردتوجه برنامه‌ریزان قرار گرفت و فرآیندهای تقویت کننده مشارکت مردم، به عنوان زمینه اصلی توسعه مطرح شد. امروزه به مشارکت بـه عنوان مؤلفه اصلی و تفیک ناپذیر توسعه نگریسته می‌شود و روز به روز بر اهمیت و ضرورت آن تأکید می‌شود، به‌گونه‌ای که در گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد(۱۹۹۳) اشاره شده‌است: «موضوع مشارکت مردم، رفته‌رفته به‌صورت مسئله اصلی زمان ما در می‌آید» (آتال و اوین، ۱۳۷۹: ۲۷). درمورد ارتباط اعتماد اجتماعی با مشارکت می‌توان گفت اعتماد پیش شرط مشارکت و لازمه همکـاری و مشارکت موفقیت‌آمیز است. اعتماد مشارکت و همکاری را تسهیل می‌کند. به‌بیان‌دیگر اعتمـاد پایـه و اساسی برای مشارکت است. برعکس، بی‌اعتمادی، همکاری و مشارکت را از بین می‌برد و چنانچه بی-اعتمادی محقق شود، مشارکت بین عاملان آزاد از بین خواهد رفت(درانی و رشـیدی، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷).

1. Giddens

همچنین اعتماد که بنیاد رفتار جمعی و همکاری مفیدست، بقای روابط اجتماعی پایدار وصلح آمیز را ممکن می‌سازد(سردارنیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۷). مطالب اشاره‌شده نمایانگر وجود یک رابطه ساختاری بین سه مقوله سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت است. چرا که یکی از مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی وجود اعتماد است و اعتماد، زمینه و بسترساز اصلی مشارکت محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که پوتنام راه‌حل معضل همکاری جمعی را در سرمایه اجتماعی جستجو می‌کند(روشنفکر و سعید ذکایی، ۱۳۸۵: ۱۲۱–۱۲۰). یعنی سرمایه اجتماعی به‌صورت یک رابطه دوجانبه محکم، بین سطوح مشارکت مدنی و اعتماد بین فردی، تحقق می‌یابد؛ به‌طوری‌که هر چه مشارکت شهروندان در جوامع بیشتر باشد، آن‌ها بیشتر می‌آموزند تا به همدیگر اعتماد کنند و هر چه اعتماد بین آن‌ها بیشتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که در امور جوامع خود مشارکت نمایند. همچنین افرادی که به یکدیگر اعتماد می‌کنند، به نهادهای دولتی نیز اعتماد بیشتری دارند(درانی و رشیدی، ۱۳۸۷: ۱۱). این پدیده را می‌توان مدل ساختاری سرمایه اجتماعی نامید که آن را به صورت زیر نشان داده‌اند(شکل ۴).



شکل ۴: مدل ساختاری سرمایه اجتماعی

مأخذ: درانی و رشیدی، ۱۳۸۷: ۱۱

۵- یافته های تحقیق

۵-۱- تحلیل عامل‌های موثر بر سرمایه اجتماعی بافت مرکزی مشهد

در این قسمت پس از طی مراحل ۵ گانه تحلیل عاملی در محیط SPSS شاخص‌های به کار رفته به ۵ عامل از طریق چرخش واریماکس[1] تقلیل یافتند. مجموع این ۵ عامل تقریبا ۸۹ درصد از

1. Varimax rotation

واریانس را تبیین می‌کنند که نشان‌دهنده مطلوب بودن تحلیل عاملی [1] و متغیرهای موردمطالعـه هسـتند. در جدول(۴) مقدار ویژه، درصد واریانس [2] و درصد واریانس تجمعی [3] هر عامل آمده‌است.

جدول ۴: نام عاملها، مقادیر ویژه، درصد واریانس و واریانس تجمعی در تحلیل داده ها

نام عاملها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
مشارکت عمومی	۲/۱۷۲	۲۴/۲	۲۴/۲
آگاهی از حقوق شهروندی	۲/۱۴۶	۲۲/۸۹	۴۷/۰۹
اعتماد عمومی	۲/۱۰۱	۲۲/۳۵	۶۹/۴۴
اعتماد نهادی	۱/۶۲۱	۱۶/۵۶	۸۶
مشارکت رسمی	۰/۲۴۶	۲/۹	۸۸/۹

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲

عامل اول: مشارکت عمومی: در این عامل ۵ شاخص بارگذاری شده‌اند کـه شـامل سـعی در انتقـال نظرات و پیشنهادات به مسئولین، علاقه به پیگیری امور محله، علاقه بـه شـرکت در کارهـای گروهـی، توسعه منطقه در صورت همکاری با مجریان طرح، اعتقاد به کارهای گروهـی مـی‌باشـند. مقـدار ویـژه این عامل ۲/۱۷۲ است که ۲۴/۲ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. همچنین این عامـل در بـین عوامـل ۵ گانه فوق دارای بیشترین تاثیر در سرمایه اجتماعی بافت مرکزی مشهد بـوده‌اسـت. ایـن امـر نشـان-دهنده آن است که مشارکت عمـومی کـه ریشـه در باورهـا و اعتقـادات فرهنگـی مـردم منطقـه دارد، بیشترین تأثیر را در سرمایه اجتماعی دارد. به طوری که این عامل به عنوان بستر و علت سایر عامـل‌هـا محسوب می‌شود که در صورت تقویت این عامل در بین ساکنان بافت مرکـزی مشـهد مـی تـوان بـه بهبود و ارتقاء سایر عوامل تاثیرگذار در سرمایه اجتمـاعی ازجملـه مشـارکت رسـمی و اعتمـاد نهـادی امیدوار بود. چراکه به طور کلی، باور و اعتقاد به مشارکت و اعتماد مولد و زمینه ساز این عوامـل اسـت که با تقویت مشارکت و اعتماد عمومی که ریشه در باورهـا و سـاختارهای فرهنگـی دارنـد بـه عنـوان برآورد و معلول، حالت مطلوب‌تری می‌یابند.

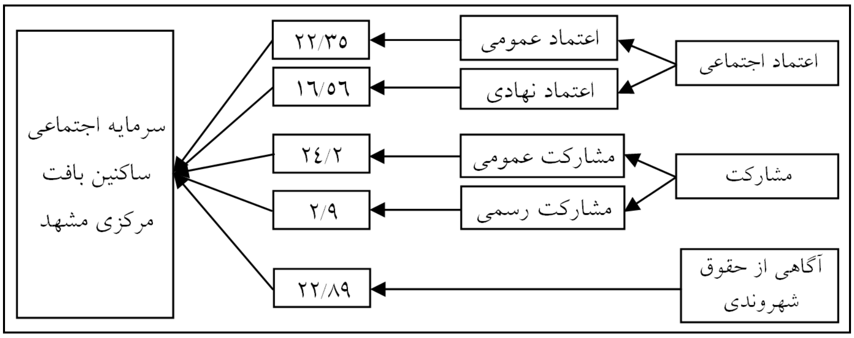
1. Factor analysis
2. variance
3. Multivariate Variance

عامل دوم: آگاهی از حقوق شهروندی: در این عامل نیز ۴ شاخص بارگذاری شده‌اند که مشتمل‌بر تاثیر نظرات شهروندان در مدیریت شهر، آشنایی با مفهوم و حقوق شهروندی، علاقه به شرکت در کلاس‌های آموزش حقوق شهروندی، آگاهی از حقوق شهروندی و نظارت بر مسئولین شهری هستند. مقدار ویژه این عامل ۲/۱۴۶ است که ۲۲/۸۹ درصد از واریانس را توجیه می‌کند. این عامل بعد از عامل مشارکت عمومی بیشترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی بافت مرکزی مشهد داشته‌است. همچنین مقدار بالای این عامل مانند عامل اول(مشارکت عمومی) نشان‌دهنده اهمیت عواملی است که در سرمایه اجتماعی، از ساختارها و باورهای فرهنگی ناشی شده‌اند.

عامل سوم: اعتماد عمومی: سومین عامل تاثیرگذار بر سرمایه اجتماعی بافت مرکزی مشهد، اعتماد نهادی است. در این عامل ۴ شاخص بارگذاری شده‌اند که مشتمل‌بر حمایت مردم در شرایط سخت زندگی، حسادت مردم به موفقیتهای یکدیگر، توجه مردم به نصیحت‌ها و راهنمایی‌های دیگران و کمک به همدیگر در قبال نفع شخصی‌اند. مقدار ویژه این عامل ۲/۱۰۱ است که ۲۲/۳۵ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. سه عامل بالا، در مجموع ۶۶/۴۴ درصد از واریانس را توجیه می‌کنند که هر سه عامل ریشه در ساختارها و باورهای فرهنگی و فرایندهای انتزاعی دارند به‌طوریکه ساختار فرهنگی موجود در بافت مرکزی مشهد علت شکل‌گیری مشارکت و اعتماد عمومی خاص در منطقه است که این دو عامل زمینه ساز مشارکت رسمی و اعتماد نهادی در مرحله بعد خواهند بود و ضعف این عوامل پایه و زمینه-ای، باعث تضعیف عوامل عینی دیگر مانند مشارکت رسمی و اعتماد نهادی خواهد شد.

عامل چهارم: اعتماد نهادی: در این عامل ۵ شاخص بارگذاری شده‌است ازجمله اینکه مدیریت شهر فقط توسط مسئولین می‌تواند صورت گیرد، مسئولین شهر مشهد می‌توانند شهر را به موفقیت برسانند، آگاهی مسئولین شهر نسبت به حقوق شهروندی، مشارکت شهروندان در طرحهای در دست اجرا بیشتر به صورت مالی است، میزان اعتماد ساکنین منطقه به مسئولین بعد از اجرلی طرح اند. مقدار ویژه این عامل ۱/۶۲۱ است و این عامل ۱۶/۵۶ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. قرار گرفتن این عامل در رتبه چهارم و به‌ویژه بعد از اعتماد عمومی نشان می‌دهد که توجه به اعتماد عمومی ساکنین بافت مرکزی مشهد درراستای تقویت و ارتقاء سرمایه اجتماعی مقدم بر اعتماد نهادی است، چرا که این عامل خود می‌تواند معلولی از وضعیت اعتماد عمومی در بین افراد باشد.

عامل پنجم: مشارکت رسمی: مقدار ویژه این عامل ۰/۲۴۶ است که فقط ۲/۹ درصد از واریانس را پوشش می‌دهد. مقدار ویژه این عامل بسیار ناچیز است به‌طوری‌که می‌تواند حذف شود اما به دلیل ارتباط آن با عوامل دیگر و اهمیت آن، در نتیجه‌گیری نهایی آورده‌شده‌است. در این عامل شاخص شرکت در انتخابات شورای شهر بارگذاری شده‌است. میزان ناچیز تاثیرگذاری این عامل بر سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد این عامل معلولی از وضعیت کلی عوامل دیگر(اعتماد عمومی، آگاهی از حقوق شهروندی، اعتماد رسمی، مشارکت عمومی) است و تقویت عوامل دیگر خود به خود باعث ارتقاء این عامل خواهند شد. شکل (۵) نسبت تاثیرگذاری این عامل‌های ۵ گانه را بر سرمایه اجتماعی بافت مرکزی مشهد نشان می‌دهد.



شکل ۵: عامل های تاثیرگذار بر سرمایه اجتماعی بافت مرکزی مشهد

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲

۵-۲- آزمون فرضیه

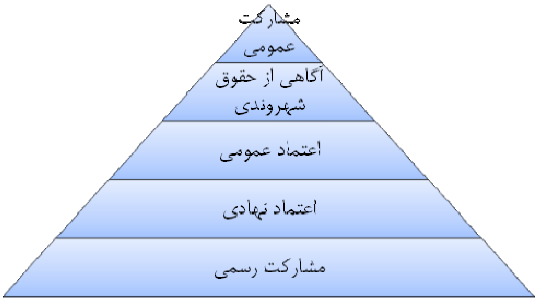
اطلاعات موجود در شکل(۵) نشان می‌دهد که عوامل ذهنی مانند اعتماد عمومی و مشارکت عمومی که به ترتیب ۲۲/۳۵ و۲۴/۲ درصد از واریانس را پوشش می‌دهند تأثیر بیشتری بر مقوله سرمایه اجتماعی ساکنین بافت مرکزی مشهد دارند و عوامل عینی مانند اعتماد نهادی و مشارکت رسمی تأثیرگذاری کمتری نسبت به دو عامل ذهنی مورداشاره دارند. با توجه به مطالب بالا فرضیه تحقیق اثبات می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

امروزه صاحب‌نظران توسعه به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از ارکان حیاتی و مهم توسعه، سرمایه اجتماعی است و وجود منابع مالی و انسانی به تنهایی کافی نیست. چرا که میزان اثربخشی و کارآیی منابع مالی و انسانی به اندازه برخورداری از سرمایه اجتماعی که از ارزش‌ها، مشارکت‌ها و استحکامات

تعهدات متقابل افراد و گروه‌ها تامین می‌شود، وابسته است(ابـراهیم زاده و همکـاران، ۱۳۸۹: ۵۸). ایـن موارد به‌طورکلی اهمیت سرمایه اجتماعی و لزوم توجه و تامل به آن در فرایند برنامه‌ریـزی و بـه‌طـور-خاص در برنامه‌ریزی شهری را توجیه می‌نماید. به خاطر اهمیت این مقوله، شناسایی عوامل تاثیرگذار و نقاط ضعف و قوت آن در مناطق شهری نیز، جایگاه مهمی در برنامه‌ریـزی و توسـعه شـهری دارد. در راستای شناسایی عاملهای موثر بر سرمایه اجتماعی بافت مرکزی مشهد مشـخص شـد کـه بـه ترتیـب نسبت تاثیرگذاری، عامل‌های مشارکت عمومی(۲۴/۲٪)، آگاهی از حقوق شهروندی(۲۲/۸۹٪)، اعتمـاد عمومی(۲۲/۳۵٪)، اعتماد رسمی(۱۶/۵۶٪) و مشارکت رسمی (۰/۲۴۶ ٪) از واریانس را توجیه می‌کنند. به‌طوری‌که سه عامل اول(مشارکت عمومی، آگاهی از حقوق شهروندی، اعتماد عمومی) نزدیک بـه ۷۰ درصد واریانس را پوشش می‌دهند. این سه عامل که در بافت مرکزی مشهد بیشترین تأثیر را بر سـرمایه اجتماعی دارند، ریشه در ساختارها و باورهای فرهنگی ساکنین بافت دارند و انتزاعی و ذهنی هسـتند و دو عامل دیگر(اعتماد نهادی، مشارکت رسمی) به‌نـوعی معلـول کـم و کیـف و چگـونگی سـه عامـل مورداشاره هستند. براین‌اساس می‌توان سه عامل اول را به عنوان عامل‌های پشت صحنه و زمینه ساز و دو عامل دیگر را به عنوان عاملهای جلوی صحنه به‌شمار آورد؛ به‌طوری‌که اگر سرمایه اجتماعی را بـه-عنوان محصول نمایش بازیگران جوامع(انسان ها) در بافت مرکزی مشهد به‌حساب‌آوریـم، عامـل‌هـایی وجود دارند که اگرچه دیده نمی‌شوند و انتزاعی هستند اما بیشترین تأثیر را در کم و کیف این محصول نهایی دارند. همچنین درمورد سرمایه اجتماعی در بافت مرکزی مشهد، عامل‌های ذهنی مانند مشـارکت عمومی، آگاهی از حقوق شهروندی و اعتماد عمومی بیشترین تأثیر را بر سـرمایه اجتمـاعی داشـته‌انـد. براین‌اساس توجه به این عامل‌های بنیادی در برنامه‌ریزی مناطق موردنظر ضرورت می‌یابد؛ بـه گونـه‌ای که اگر این عامل‌های پشت صحنه مورد توجه قرار گیرند عامل‌هایی که در جلوی صحنه و تحت تـأثیر آن‌ها بوجود می‌آیند، حالتی بسامان به‌خود خواهند گرفت و چنانچه موردغفلت واقـع شـوند محصـول نهایی نیز آشفته خواهد بود. مانند اعتماد نهادی و مشارکت رسمی در بافت مرکزی مشهد که بسیار پایین بود و باعث عدم مشارکت و مشارکت پایین ساکنین در طرح‌ها و پروژه‌های بهسـازی و نوسـازی ایـن بافت گردید. همچنین در راستای تقویت و ارتقاء سرمایه اجتماعی در بافت مرکزی مشهد توجه به ایـن سه عامل بنیادی و زمینه ساز در اولویت قرار دارند چراکه دو عامل بعدی خود به نـوعی معلـول کـم و

کیف این عامل‌های بنیادی هستند. شکل(۶) عامل‌های تاثیرگذار بر سرمایه اجتمـاعی در بافـت مرکـزی مشهد را به صورت «هرم سرمایه اجتماعی» نشان می‌دهد.



شکل ۶: هرم عاملهای موثر بر سرمایه اجتماعی بافت مرکزی مشهد

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲

کتابنامه

۱. آتال، یوگش و اوین، الس.(۱۳۷۹). ***«فقر و مشارکت در جامعه مدنی».*** ترجمه ایرج پاد، تهران: انتشارات سروش.

۲. ابراهیم زاده، عیسی؛ بریمانی، فرامرز؛ اسکندری ثانی، محمد و رمضان پور، صغری.(۱۳۸۹). ***«بررسی تطبیقـی سرمایه اجتماعی در روستاهای ادغام شده در شهر و روستاهای مستقل: موردشناسی روستای ادغام شده تربقان و روستای مستقل رزق آباد کاشمر».*** فصلنامه روستا و توسعه. ۱.صص ۶۲-۴۳.

۳. ابراهیم زاده، عیسی؛ اسکندری ثانی، محمد.(۱۳۸۹). ***« کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه نیافتگی شهری- منطقه ای در ایران».*** فصلنامه جغرافیا و توسعه. ۱۷. صص ۲۸-۷.

۴. باستانی، سوسن؛ کمالی، افسانه و صالحی هیکویی، مـریم.(۱۳۸۷). ***«سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابـل بین شخصی»*** مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ۶۱. صص ۸۱-۴۰.

۵. پیراهری، نیر.(۱۳۸۸). ***« سرمایه اجتماعی در نظریات جدید».*** پژوهش نامه علوم اجتماعی. ۳.صص ۱۳۱-۱۰۹.

۶. تاجبخش، کیان.(۱۳۸۴). ***سرمایه اجتماعی: دموکراسی و توسعه.*** ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران. انتشارات شیرازه.

۷. تقوایی، مسعود و شفیعی، پروین.(۱۳۸۸). ***«کاربرد تحلیل عاملی و خوشه ای در ارزیابی فضـایی- مکـانی مناطق روستایی استان اصفهان».*** فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. ۶۸. صص ۷۶-۵۷.

۸. تقوایی، مسعود و قائد رحمتی، صفر.(۱۳۸۵). «***تحلیل شاخص های توسعه فرهنگی استان هـای کشـور***» فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای. ۷. صص ۱۳۲–۱۱۷.

۹. توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضـیه.(۱۳۸۴). «***مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تاکیـد بـر نظریه های سرمایه اجتماعی***». نامه علوم اجتماعی. ۲۶. صص ۳۲–۱.

۱۰. توکلی، مرتضی و تاجبخش، کاظم.(۱۳۸۷). «***بررسی و تحلیل میزان سرمایه اجتماعی در مناطق شـهری و روستایی مرزی سیستان***». فصلنامه روستا و توسعه. ۲. صص ۱۶۲–۱۴۳.

۱۱. حسینی، سید امیر حسین؛ علمی، زهرا و شارع پور، محمود.(۱۳۸۶). «***رتبه بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان های کشور***». فصلنامه رفاه اجتماعی. ۲۶. صص ۸۴–۵۹.

۱۲. حق شناس، اصغر؛ دلوی، محمد رضا و شیفته، مسعود.(۱۳۸۶). «***نقش سرمایه اجتماعی در توسعه***». نشـریه تدبیر. ۱۸۸. صص ۲۴–۲۰.

۱۳. خاکپور، براتعلی و پیری، عیسی.(۱۳۸۴). «***آسیب شناسی اجتماعی شهر و نقش سـرمایه هـای اجتمـاعی شهروندان در کاهش آن (دیدگاهی جغرافیایی)***». مجله علوم اجتماعی دانشـکده ادبیـات و علـوم انسـانی دانشگاه فردوسی مشهد. ۲. صص ۳۰–۱۳.

۱۴. درانی، کمال و رشیدی، زهرا.(۱۳۸۷). «***بررسی تعاریف، مفاهیم و چگونگی ایجاد سـرمایه اجتمـاعی بـا تاکید بر اعتماد اجتماعی***». ماهنامه مهندسی فرهنگی. ۱۸–۱۷. صص ۱۹–۸

۱۵. روشنفکر، پیام و سعیدذکایی، محمد.(۱۳۸۵). «***جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانـه***». فصـلنامه رفاه اجتماعی. ۲۳. صص ۱۴۶–۱۱۳.

۱۶. رهنما، محمـدرحیم.(۱۳۸۸). ***برنامه ریزی مناطق مرکزی شهرها (اصـول، مبـانی، تئوریهـا، تجربیـات و تکنیکها***. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۷. رهنما، محمد رحیم و امیرفخریان، مصـطفی.(۱۳۸۴). «***بررسی روند احیاء مرکـز شـهر مشـهد (۱۳۵۷تـا ۱۳۸۴)***». مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای. ۴. صص ۱۰۳–۸۳.

۱۸. رهنما، محمد رحیم.(۱۳۷۵). ***بافت قدیم و توسعه شهری، نمونه بافتهای مسکونی مرکز مشهد***. پایان نامـه دکتری برنامه ریزی شهری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۱۹. زاهدی، محمد جواد؛ شیانی، ملیحه و علی پور، پروین.(۱۳۸۸). «***رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی***». فصلنامه رفاه اجتماعی. ۳۲. صص ۱۲۵–۱۰۵.

۲۰. سردارنیا، خلیل الله؛ قدرتی، حسین و اسلام، علیرضا.(۱۳۸۸). ***«تاثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی: شهرهای مشهد و سبزوار»***. پژوهشنامه علوم سیاسی. ۱. صص ۱۶۵–۱۳۵.

۲۱. سعادت، رحمان.(۱۳۸۵). ***«تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان ها»***. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۲۳. صص ۱۹۵–۱۷۳.

۲۲. سعادت، رحمان.(۱۳۸۷). ***«برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران با استفاده از روش فازی»***. مجله تحقیقات اقتصادی. ۸۳. صص ۵۶–۴۱.

۲۳. سعیدی، عباس.(۱۳۸۲). ***«جغرافیای شهر مشهد»***. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد. ۱. صص ۱۹۷–۱۷۴.

۲۴. شریفی، محمد امین و خالدی، کوهسار.(۱۳۸۸). ***«اندازه گیری و تحلیل سطح توسعه مناطق روستایی در استان کردستان با استفاده از روشهای تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی»***. اقتصاد کشاورزی و توسعه. ۶۷. صص ۲۰۲–۱۷۹.

۲۵. شعبانی، احمد و سلیمانی، محمد.(۱۳۸۸). ***«سنجش و رتبه بندی سطح سرمایه اجتماعی در استان های کشور»***. فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی. ۲. صص ۱۲۰–۹۵.

۲۶. شهرداری مشهد، مدیریت آمار و تحلیل اطلاعات.http://amar.mashhad.ir/

۲۷. صیدایی، سیداسکندر؛ کیانی سلمی، صدیقه و سلطانی، زهرا.(۱۳۸۹). ***«تحلیل فضایی وضعیت مسکن روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد»***. فصلنامه پژوهش‌های روستایی. ۲. صص ۷۲–۴۹.

۲۸. ضرابی، اصغر و شاهیوندی، احمد.(۱۳۸۹). ***«تحلیلی بر پراکندگی شاخص های توسعه اقتصادی در استان های ایران»***. مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی. ۲. صص ۳۲–۱۷.

۲۹. طالبی، هوشنگ و زنگی آبادی، علی.(۱۳۸۰). ***«تحلیل شاخص ها و تعیین عوامل موثر در توسعه انسانی شهرهای بزرگ کشور»***. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۶۰. صص ۱۴۲–۱۲۴.

۳۰. عبداللهی، محمد و موسوی، میرطاهر.(۱۳۸۶). ***«سرمایه اجتماعی در ایران: وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار»***. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۲۵. صص ۳۶–۱۸.

۳۱. عرفانیان، منا.(۱۳۸۱). ***«سیری در تجربه های مداخله در بافت مرکزی شهر مشهد»***. مجله هفت شهر. ۳. صص ۷۹–۷۰.

۳۲. غفاری، غلامرضا.(۱۳۸۵). ***«مدخلی بر سرمایه اجتماعی»***. نشریه سیاست داخلی. ۱. صص ۱۰۴–۷۵.

۳۳. فیروزآبادی، سید احمد و ایمانی جاجرمی، حسین.(۱۳۸۵). ***«سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی-اجتماعی در کلانشهر تهران»***. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۲۳.صص ۲۲۴-۱۹۷.

۳۴. قاسمی، وحید؛ اسماعیلی، رضا و ربیعی، کامران.(۱۳۸۵). ***«سطح بندی سرمایه اجتماعی در شهرستانهای استان اصفهان»***. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۳. صص ۲۴۸-۲۲۵.

۳۵. قاسمی، وحید؛ ادیبی سده، مهدی؛ آذربایجانی، کریم و توکلی، خالد.(۱۳۸۹). ***«رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی»***. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۳۶. صص ۶۰-۲۷.

۳۶. کلانتری، خلیل.(۱۳۸۲). ***پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی***. تهران. نشر شریف.

۳۷. گیدنز، آنتونی.(۱۳۷۷). ***پیامدهای مدرنیته***. ترجمه محسن ثلاثی. تهران. نشر مرکز.

۳۸. لهسایی زاده، عبدالعلی و مرادی، گلمراد.(۱۳۸۶). ***«رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در مهاجران»***. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۲۶. صص ۱۸۰-۱۶۱.

۳۹. ماجدی، سید مسعود و لهسایی زاده، عبدالعلی.(۱۳۸۵). ***«بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس»***. فصلنامه روستا و توسعه. ۴. صص ۱۳۵-۹۱.

۴۰. ملکی، سعید.(۱۳۹۰). ***«سنجش توسعه پایدار در نواحی شهری با استفاده از تکنیک های برنامه ریزی نمونه موردی: شهر ایلام»***. فصلنامه جغرافیا و توسعه. ۲۱. صص ۱۳۶-۱۱۷.

۴۱. مولایی، محمد.(۱۳۸۷). ***«بررسی و مقایسه درجه توسعه یافتگی بخش کشاورزی استانهای ایران طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳»***. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه. ۶۳. صص ۸۸-۷۱.

۴۲. مهندسن مشاور شهرساز و معمار (طاش).(۱۳۷۶). ***طرح تفصیلی محدوده مرکز شهر مشهد***. سازمان مسکن و شهرسازی خراسان.

۴۳. ناطق پور، محمد جواد و فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۸۴). ***«سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در شهر تهران»***. **نشریه جامعه شناسی ایران، ۲۴. صص ۹۱-۵۹.**

۴۴. نسترن، مهین و فتاحی، سارا.(۱۳۸۸). ***«سطح بندی شهرستان های استان گلستان از نظر شاخص های توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی»***. فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی. ۱. صص ۶۲-۵۰.

۴۵. نورالهی قراخیلی، محمود.(۱۳۸۳). ***تاثیرات حضور گردشگران بر تحولات کالبدی بافت قدیم شهر مشهد***. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی.

۴۶. هاشمیان فر، سیدعلی و گنجی، محمـد.(۱۳۸۸). «***تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصـفهان***». جامعـه شناسی کاربردی. ۱. صص ۴۴-۲۵.

۴۷. هزارجریبی، جعفر و صفری‌شالی، رضا.(۱۳۸۸). «***بررسی عوامل موثر بر اعتمـاد اجتمـاعی شـهروندان***». جامعه شناسی کاربردی. ۴. صص ۳۸-۱۷.

48. Australian Bureau OF Statistics. (2004). ***Measuring Social Capital, an Australian Framework and Indicators.*** http://www.abs.gov.au/.
49. Baum, H.S. (2004). ***Citizen Participation***. International encyclopedia of the social & behavioral sciences. 1840-1846.
50. Bourdieu, P. (1986). ***The Forms of Capital***. theory and Research for Sociology of Education. Greenwood Press.
51. Brunie, A. (2009). ***Meaningful distinctions within a concept: Relational, collective, and generalized social capital***. Social Science Research .38: 251–265.
52. Coleman J.S. (1990). ***Social capital in the creation of human capital***. American Journal of Sociology. 94: 95-120.
53. Fukuyama, F. (1995). ***Trust: the Social Virtues and the Creation of Prosperity***. London: Hamish Hamilton.
54. Fukuyama, F. (2002). ***Social Capital and Development: The Coming Agenda***. SAIS Review. 22(1): 23–37.
55. Offe, C & Fuchs, S. (2002). ***A decline in social capital? the German Case***. Evolution of Social Capital in Contemporary Society. New York: oxford University Press.
56. Putnam, R .(1993). ***making democracy work: Civic traditions in modern Italy.*** Princeton: Princeton University Press.
57. Szekelyi, M & Barna, I. (2003). ***The Interpretation of Trust in Empirical Research Two examples: trust in ethnic and social conflicts in Eastern and Central Europe***. Collegium udapest.www.colbud.hu/honesty-trust/orkeny.
58. Torch, F & Valenzuela, E. (2011). ***A theoretical distinction of the sources of social capital***. European Journal of Social Theory, 14(2): 181–198.
59***. www.maskansamen.ir***